

آدم حسابی های سالن های موسیقی



ابراهیم عمران

روزنامه نگار

در یکی از کنسرت هایی که طی چندروز پیش برگزار شد، فردی از اعضای گروه به نمایندگی، از حصار تشکر کرد. در این سیاسگراری، واژه ای به کار برد که جای واکاوی بسیار دارد. ایشان که در صداقت گفتار و رفتار شکی نیست، گفت که شما حاضرین جزء «آدم حسابی» های این شهر هستید که برای این اجرا آمدید. آری به همین راحتی افرادی که در آن مکان بودند، متصف به این صفت شدند و لامحاله دیگرانی که آنجا نبودند، واجد این صفت نیکو نشدند! گویا امری طی این سال ها بر برگزارکنندگان و شرکت کنندگان مشتبه شده که جزئی از افراد خاص این شهر هستند و اگر در محیط های فرهنگی و هنری حضور دارند، بالمال باید آنان را غوره نشده، مویز دانست. غافل از آنکه تا پیمز این افراد ریشه بدواند، راهی است بسیار دور و دراز. حال چمشه است که این گونه می اندیشند برخی از این افراد و خود را در سطحی بالاتر می پندارند. از جمله آژکارها و مصائب مرتبط و منتج از شرایط بد اقتصادی، خالی شدن سبد فرهنگی قشر ضعیف و رو به متوسط است. قشری که به دلیل درگیر بودن در سایر امور زندگی، امور فرهنگی شان را از یاد برده اند. گروه مر جعی که گرانیگاه و علت العلل پیشرفت فکری و درنهایت پیشران اجتماعی است. افسوس آنجاست که افرادی که در مجامع فرهنگی طی این سال ها حضور دارند و البته پرواضح است، نه همه آنها، هم زمان طی هفته و ماه در همه کنسرت های شهر مشغول دست افشانی هستند و این واژه، نه از روی قافیه و ردیف بلکه به معنای واقعی آن به کار رفته است. چه که این افراد حتی آگاه نیستند برای تشویق چه زمانی دست به کار شوند در کنسرتی سنتی و فکر می کنند آسان که در کنسرت های بی سر و ته پاپ و امثال آن عمل می نمایند، اینجنا نیز باید چنین کنند! آری اگر این جماعت، آدم حسابی های کنسرت های شهر هستند، باید افسوسی به وسعت تحریر نداشته برخی از خوانندگان نفازشان کرد. بارها مشاهده شد، قشر کم بر خوردار مالی ولی آگاه به هنر، شرمگینانه در کنار تالارهای هنری در انتظار لیلینی اضافه و در حقیقت رایگان هستند. رایگان از آن سو که همراهان افراد بر خوردار، در خود ندیدند که فاصله شمال تا جنوب شهر را طی کنند و رنج ترافیک بر خود هموار. آری این جماعت پولدار فرهنگ ناشناس، سیطره عجیبی بر صندلی های تالارهای موسیقی دارند. چند ردیف اول به حتم برای آنهاست و اگر به هر دلیل جایگاه مناسبی پیدا نکنند، در شأن و مرتبه خود نمی بینند که دو ردیف بالاتر بنشینند. هر چند همانطور که ذکر شد، این ایراد بر همه آنانیه که مخاطب چنین برنامه هایی می توان میزان علاقه آنان بر فرض مثال به موسیقی سنتی را دریافت. افرادی که قبل آمدن و بعد از اتمام اجرا، موزیک های ماشین شان زمین تا آسمان با آنچه در سالن ها گوش داده اند، توفیر دارد. حال نمی گویم هماره نوع خاصی از موسیقی را باید گوش داد، ولی همین که با زدن استارت، آوای موزیک شان پخش می شود و حتی این اجازه را به روح و ضمیر خویش نمی دهند که لختی بیاسایند، مشخص است که در چه جایگاهی قرار دارند این آدم حسابی های سالن های موسیقی مان. گویی خوانندگان و نوازندگان نیز همین افراد را مخاطب اصلی هنر شان می دانند. نه این شکل نیست دوستان خواننده و نوازنده؛ مخاطب اصلی شما آن هنر جوی موسیقی و آن دوستدار عام هنر ایرانی است که توان آمدن به برنامه های تان راندارند. مخاطب واقعی آنانیه هستند که تکه های اجرای های تان را با جان و دل از شبکه های اجتماعی می بینند. آدم حسابی ها لزوما حضور فیزیکی شاید نداشته باشند، حضور معنوی و البته درمندان هان در بیرون از سالن هاست که آثار شما را جان می دهد و به گسترش آن کمک می کند. این ها آدم حسابی های شهر شما هستند که عموما هم از شهر شما نیستند؛ آنها افرادی هستند که از شهر و دیار خویش جدا شده اند برای به دست آوردن زندگی هنری و اجتماعی. غافل از آنکه متصف به صفت هایی می شوند که زیاد از آن نوشتن، از کفر ابلیس و زهد اسفندیار نیز معروف تر می شود. بهتر است که بیش از این آدم حسابی های این شهر را نشناسیم. همان هایی که اگر به این نام شناخته شدند توسط فردی از گروه، در پایان اجرا حتی نمی دانستند نام کنسرت چیست، نوازندگان چه کسانی هستند و از دانستن نام سازها نیز نگویم، بهتر است! اگر این ها آدم حسابی های سالن های موسیقی هستند، همان به که افراد بیرون از سالن به چنین مکان هایی نیایند!

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیراداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: هممیهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

شب بخون بلا

درباره صابر کاظمی والیبالیست جوان و آینده دار کشورمان که چندروزی است دچار مرگ مغزی شده است

قدیمی تر، «دوران بازیکن سالاری به پایان رسیده» و چار چوب های انضباطی باید رعایت شود.

❯ابهاماتی که همچنان باقی اند

حادثه ای که منجر به کما، سپس مرگ مغزی صابر کاظمی شد، دارای چندین روایت متناقض است؛ برخی گزارش ها، علت را برق گرفتگی در استخر هتل محل اقامت او در دوحه ذکر کردند. فوق تخصص مغز و اعصاب، دکتر رضا جباری، این فرضیه را رد کرده و گفته که معاینات نشان دهنده برق گرفتگی نیست. گزارش قطری حاکی از آن است که بازیکن هنگام شیرجه یا حرکت در استخر، دچار ضربه به سر شده؛ اما مدارک کافی ارائه نشده. والیبالیستی روسی که هم تیمی کاظمی بود، ادعا کرد: «دوربین های مدار بسته هتل در زمان حادثه، قطع بودند» و بخش هایی از حادثه، مشکوک به عمد تلقی می شوند. رئیس فدراسیون ایران گزارش داده که پزشکان قطری دو روز بعد از حادثه اعلام کرده اند، وضعیت به مرگ مغزی رسیده و وارد مرحله قطع دستگاه ها خواهند شد. همچنین مواعی برای انتقال اش از قطر به ایران مطرح شد؛ مانند تأخیر در صدور مجوز انتقال و مانع شدن برای ورود پزشک ایرانی، توسط بیمارستان قطری.

❯ سابقه و نتایج درخشانی که پیش رو داشت

صابر کاظمی که از استان گلستان برخاسته بود، به تیم ملی بزرگسالان ایران راه یافت، در رقابت های آسیایی ۲۰۲۱. به همراه تیم قهرمان شد و عنوان بهترین بازیکن (MVP) آن رقابت ها را به دست آورد. او در لیگ های حرفه ای ایران، سپس در لیگ خارجی بازی کرده بود؛ حضورش در باشگاه قطری نیز بخشی از راه حرفه ای او بود. این سابقه، از کاظمی چهره ای بر جسته در والیبال ایران ساخته بود.

❯ روند درمان و وضعیت فعلی

یکی از موضوعاتی که هنوز با ابهام جدی روبه رو است اینکه، صابر کاظمی به چه دلیل با چنین اتفاقی روبه رو شده است؟ در ابتدا رسانه های قطری گفتند، او بعد از پریدن به داخل استخر دچار برق گرفتگی شده اما قوانین نظام مهندسی هر کشوری می گوید در طبقه ای که استخر وجود دارد، ولتاژ برق باید کمتر از ۱۲ ولت باشد که خطر برق گرفتگی را به صفر برساند. نکته مهم تر این که، به چه دلیل باشگاه الریان نسبت به حادثه تلخی که برای صابر کاظمی رخ داده، هیچ واکنشی نشان نداده است؟ اینستاگرام یا رسانه های وابسته به این باشگاه قطری را مورد بررسی قرار دادیم، هیچ متن یا عکس، پست و فیلمی از صابر نیست که روند درمانی یا اتفاقی که برای او رخ داده را توضیح داده باشد. موضوع زمانی عجیب می شود که بدانیم وقتی تیم پزشکی از ایران عازم دوحه قطر شد، بعد از ۴۸ ساعت توانستند به روند درمانی صابر در کشور قطر دسترسی پیدا کنند. در واقع قطری ها تمایل زیادی نداشتند که حقیقت ماجرا خیلی شفاف، علنی، روشن و مشخص شود. براساس گزارش ها، پس از حادثه در دوحه، کاظمی ابتدا در بیمارستان قطر تحت مراقبت ویژه قرار گرفت، سپس با هماهنگی فدراسیون و سفارت ایران به تهران منتقل شد. پزشکان معتقد فاند که سطح هوشیاری او پایین است و وضعیت اش بسیار بحرانی است. نهادهای درمانی و ورزشی ایران نیز اعلام کرده اند که دستگاه ها ممکن است قطع شوند و امکان بازگشت به شرایط عادی بسیار دشوار است.

حادثه ای که برای صابر کاظمی رخ داد، مرز میان ستاره ای وظهور و پرونده ای پر از سوال و ابهام است. او نتهن از مصاف حرفه ای بازماند، بلکه در شرایطی بسیار دشوار به سر می برد و جامعه ورزش ایران اکنون در انتظار پاسخ هاست؛ چرا این اتفاق رخ داد؟ چرا موانع بازگشت او به تیم ملی وجود داشت؟ و چرا روایت ها در مورد علت حادثه تا این حد متفاوت است؟ بدون تحلیل فزاینده، آنچه واضح است این که، این ماجرا نتهن پایا ن راه یک بازیکن جوان نیست، بلکه آغاز پیرش هایی است که جامعه ورزش ایران نیاز دارد به آن ها پاسخ دهد.

روزنامه

www.hammihanonline.ir

چهره

مژده دایی درگذشت

روز گذشته، مژده دایی بازیگر تئاتر و سینما در ۳۸ سالگی درگذشت. او متولد سال ۱۳۶۶ و از چهره های جوان هنر نمایش ایران بود که با درگذشت نابهنگامش، جامعه هنری را در اندوه فروبرد. دایی با علاقه به هنر و بازیگری وارد دانشگاه تهران شد و تحصیل خود را در مقطع کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی به پایان رساند. پس از فارغ التحصیلی مسیر هنری اش را با جدیت، شور و عشق به صحنه دنبال کرد. دایی در آثار متنوعی چون «در اعماق» به کارگردانی سمیرا مهدوی شکبیا، «آشپز خانه» و «ماجرای مترانیاز» به کارگردانی محمدحسن معجونی، «هر کس با تنهایی اش» به کارگردانی مهدی احمدپناه، «چیزهای سرد» به کارگردانی رامین اکبری، «می خواستم اسب باشم» به کارگردانی عباس غفاری و «روی موج یکشنبه ها» به کارگردانی مازیار سیدی نقش آفرینی کرده بود. روز گذشته، مازیار سیدی، کارگردان تئاتر، خبر درگذشت مژده دایی را در زادگاهش اصفهان اعلام کرد. البته تاکنون اطلاعات دقیقی درباره علت مرگ، مراسم تشییع و خاکسپاری او اعلام نشده است.

کتابخانه

بحران هویت در آینه زمان

نشر نوبه تازگی رمان «آرامش»، یکی از درخشان ترین آثار ادبیات مدرن ترکیه، نوشته احمد حمدی تان پینار را منتشر کرده است. این کتاب، بازتاب بحران هویت انسان مدرن و کشمکش او میان سنت و تجدد است. اثری عمیق، تأمل برانگیز و سرشار از زیبایی های شاعرانه که مخاطب با خواندن آن به سفری در جست وجوی آرامش در دل بی قراری می رود. رمان «آرامش» نخستین بار در سال ۱۹۴۹ منتشر شد. داستان آن در استانبول دهه پیش از جنگ جهانی دوم می گذرد و زندگی مردی به نام ممتاز را روایت می کند، روشنفکری حساس و اندیشمند که میان دو جهان در نوسان است؛

آرامش

نویسنده:

احمد حمدی تان پینار

مترجم:

علیرضا سیف الدینی

انتشارات: نشر نو

شکوه از دست رفته گذشته عثمانی و واقعیت مدرن و تا آرام ترکیه در حال دگرگونی. ممتاز در میانه عشقی عمیق به نوزان و دغدغه هایی فلسفی در باره هویت، زمان و معنای زندگی، سفری درونی را آغاز می کند. تان پینار باثری شاعرانه و موسیقایی، استانبول را نتهن به عنوان صحنه خدادها، بلکه به عنوان شخصیتی زنده و پرشور به تصویر می کشد. این رمان، بازتاب بحران هویت انسان مدرن و کشمکش جودان میان سنت و تجدد است. نشر نو کتاب «آرامش» را در ۴۵۳ صفحه، به تر جمه علیرضا سیف الدینی و با قیمت ۶۰۰ هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ

کودتا در عربستان

پس از درگذشت ملک عبدالعزيز، بنیانگذار پادشاهی عربستان در ۱۹۵۳، سعود - پسر بزرگ تر او به پادشاهی عربستان رسید و فیصل - برادر کوچک تر سعود به عنوان ولیعهد منصوب شد. پادشاهی سعود اما در سال ۱۹۶۴ و به واسطه کودتای برادرش به پایان رسید. قدرت گیری فیصل به خصوص از وقتی جدیت یافت که او در سال ۱۹۶۳ و در غیبت پادشاه، بسیاری از وفاداران سعود را از مناصب برکنار کرد و شاهزادگان همفکر خود را در پست های نظامی و امنیتی منصوب کرد. پس از بازگشت، سعود تغییرات جدید فیصل را رد کرد و خواستار بازگرداندن تمام اختیارات خود شد اما فیصل با جلب حمایت اعضای ارشد خاندان سلطنتی، بزرگان قبایل و علمای مذهبی، موفق شد سعود را به کناره گیری از سلطنت وادار کند. بدین ترتیب وقتی سعود از تغییر موازنه جدید قدرت ناتوان ماند، در عمل قدرت به فیصل رسید و ملک فیصل در دوم نوامبر ۱۹۶۴ به عنوان پادشاه اعلام شد. سپس سعود به تبعید رفت و ابتدا در مصر و سرانجام در یونان ساکن شد. تلاش های ناموفق او و پسرانش در سال های بعد برای بازگشت به تخت پادشاهی نیز بی ثمر ماند. ملک فیصل هم در ۲۵ مارس ۱۹۷۵ به دست برادرزاده خود، فیصل بن مساعد، ترور شد.